



عجب! چه مسیح گونه است...

با محمود عبدالمجیدی، عکاس مطرح درباره یکی از خاص ترین عکس هایی که از تشییع پیکر امام گرفته

۱۲



به بوسیدن صورت امام افتخار می کنم

گفت و گو با مهدی اربابی، یکی از معدود فوتبالیست هایی که با بیت امام در ارتباط بود

۱۴



امام اعتماد به نفس علمی رادر ما زنده کرد

محمدصادق کوشکی، استاد دانشگاه و تحلیل گر سیاسی درباره توسعه علمی از نگاه امام می گوید

۱۵

همیشه روز هفتم



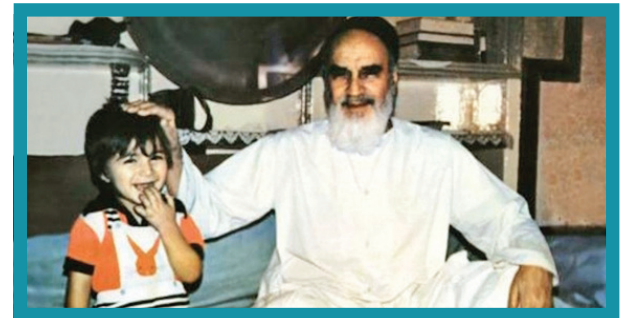
چهره شیرین اسلام را تلخ نکن

نکته هایی خواندنی از نگاه حضرت روح الله به اصول تربیت کودکان و نوجوانان

روزهای پیش رو، سالگشت روزهای سرنوشت انقلاب اسلامی است؛ روزی که در آن قیام مردمی پانزده خرداد اتفاق افتاد و روز دیگری که در آن، بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، به ملکوت اعلی پیوست. در این باره بسیار می شود گفت و شنید؛ چنانچه پیش از این و در سالگشت های پیشین، بسیار گفته ایم و شنیده ایم و هنوز یا پانی بر این گفتارها و نوشتارها نیست و نخواهد بود. حالا که به سالگشت آن تحال امام رسیده ایم، بد نیست که در کنار بازخوانی زندگی و سبک زندگی آن بزرگ سفر کرده، توشه ای از خرمن نگاه خاص این عالم و رهبر بزرگ دینی و ملی برداشت کنیم. یکی از جنبه های خاص سبک زندگی امام امت، توجه او به تربیت فرزندان بوده است؛ مواردی که شاید چه بسا نزد بسیاری از ما کمتر مورد توجه قرار بگیرد. به جاست که حالا در این مناسبت مهم و در این موضوع مهم، نگاهی به اصول تربیتی و توصیه های تربیتی آن بزرگوار در حوزه کودک و نوجوان داشته باشیم؛ نکته هایی که مستند به اطلاعات درج شده در پرتال امام خمینی (ره) هستند.

با بچه ها بازی می کرد

در فرهنگ اسلامی بازی کردن با کودکان، روشی بسیار تأیید شده برای تربیت روح و روان و حتی جسم فرزندان محسوب می شود. چنین رویه ای را در سیره حضرت امام (ره) نیز مشاهده می کنیم. چنانچه سیداحمد آقا نقل کرده که بارها می شد که وارد اتاق حضرت امام می شد و می دید که پدرش به زانو روی زمین نشسته و نوازش علی را می دوش سوار کرده و دارد با او بازی می کند. به روایت سیداحمد آقا، صداقت و صمیمیت امام با بچه ها مثال زدنی و خیلی عجیب بود. واقعا هم در نوع خود عجیب است که مردی با این سطح از دانش و فضل و جایگاه اجتماعی، اینقدر برای بچه ها بتواند وقت بگذارد؛ هر چند که در فرهنگ اسلامی از این دست رویکردها فراروان داریم و نقل های فراوانی از پیامبر و ائمه و ...



ساعت بازی مشخص با بچه ها

زهرا مصطفوی، دختر امام نیز نقل های جالبی از بازی مداوم امام با بچه ها دارد. جایی نقل می کند که امام پیش از ظهرها برای طلبه ها درس داشتند. این درس ساعت یازده و نیم تمام می شد و لاجرم تا وقتی می گذشتند. به روایت دختر امام، این جور بازی کردنها وقت گذاشتن ها برای آنها امری عادی و روزمره بود. در حالی است که غالباً مشاهده می کنیم چه بسا افسار مذهبی و حتی غالب مردم، چنین زمانی را به بچه ها اختصاص نمی دهند یا آن را نوعی اتلاف وقت می دانند و از آن می گریزند؛ در حالی که سیره امام چنین نبوده است.

هر چیزی به جای خود

امام در روزگار نوجوانی و جوانی و بعد از آن، تقید خاصی به ورزش و پیاده روی و گشت و گذار داشت. همین امر را برای نوجوان ها و جوان ها نیز لازم می دانند؛ طوری که به یکی از اعضای خانواده توصیه می کنند که وقت درس را به تفریح و ورزش و وقت تفریح و ورزش را به درس اختصاص ندهد و اگر به جایی نخواهد رسید. به روایت عاطفه اشرفی، نوه امام، «امام با تفریح نوجوانان کاملاً موافق بودند و ورزش را بهترین و سالم ترین تفریحات می دانستند.» در سیره امام، توجه به تفریح و ورزش بچه ها اهمیت زیادی دارد و والدین، خود نیز باید با چنین رویه ای همراهی کنند.

بچه باید شیطنت کند

بازیگوشی و شیطنت کردن بچه ها نیز یکی از مواردی است که والدین را حسابی به هم می ریزد. والدین مختلفی را می بینیم که از حجم بالای شیطنت فرزندان خود شکایت دارند، در حالی که باید دقت داشته باشند که اساساً بچه ها باید چنین باشند و اگر چنین نباشند، لایذ مشکلی وجود دارد. جالب اینکه در این باره، روایتی از پیامبر بزرگوار هم داریم که در جلد چهارم بحار الانوار آمده است که شیطنت و لجاجت کودک که به وقت خردسالی، نشانه های عقل و اندیشه او در بزرگسالی خواهد بود. حضرت روح الله نیز در این باره چنین نگاهی دارند: «بچه شیطون است، او باید شیطنت کند و بچه ای که یک گوشه بیفتد و بخوابد، چهار زانو نشیند، این بچه نیست جز رگمال است، بچه نباید بنشیند و اگر یک جا نشست شما باید ببینید چرا نشست و اگر خوابید ببینید چرا خوابیده، بچه باید شیطنت کند.»

ثواب عبادت من به جای تحمل شیطنت بچه ها

از فریده مصطفوی، دختر ایشان، نقل است که «نوه های آقا همه شلوغ بودند، امام به دختر من که از شیطنت بچه خود گله می کردم می گفتند: من حاضرم ثوابی که تو از تحمل شیطنت حسین می بری، با ثواب تمام عبادت خود عوض کنم.» این در حالی است که شاید بخشی از مذهبی های ما واقعا چنین نگاهی نداشته باشند و این شیطنت ها را، حمل بر سختی های زندگی بگذارند. البته بین مردم نیز، شکایت و گلایه از شیطنت بچه ها به شدت وجود دارد؛ در حالی که در رویه امام این تحمل کردن شیطنت ها، هم آینده بچه ها را می سازد و آنها را تبدیل به افرادی متعادل می کند، هم ثواب اخروی و دینی دارد. حضرت امام از نسوی دیگر، معتقد بودند که شیطنت بچه ها بدی کردن نیست و اساساً بچه ها که بدی نمی کنند و به اطرافیان خود می گفتند که اگر بچه های شان را از ترس شیطنت کردن نزد او نیاورند، به شدت ناراحت می شود.

تشویق کنید و جایزه بدهید

تشویق کردن و توجه به جزئیات نیز از دیگر رویکردهای تربیتی امام در ارتباط با بچه ها بود. نقل است که کسی با خانواده اش به دیدار امام متافتاده بود. پسرش کلاس پنجم بود و دفتر نقاشی اش را می خواست به وی تقدیم کند که محافظان مانع شده بودند و از این بابت خیلی ناراحت شده بود. این قضیه را به یکی از اطرافیان امام گفته بود. او هم دفتر نقاشی را تحویل گرفته و دو روز بعد به امام داده بود. نوع دفتر نقاشی این دانش آموز هم طراحی خاصی داشت که مورد توجه امام قرار گرفته بود. او دستور داد تا جایزه ای از طرف آموزش و پرورش منطقه به آنها داده شود. حضرت امام وقتی که می دید یکی از نوه هایش به تقلید از او دارد نماز می خواند، برای تشویق او کتاب هدیه می داد تا این رفتار تقویت شود.

دیگته کردن ممنوع؛ الگو باشید

از مهم ترین نکته های موجود در نظام تربیتی حضرت امام، بحث الگو بودن است. این رویه ای است که در کتاب های تربیتی مختلف هم روانشناسان به آن اشاره کرده اند. متأسفانه بیشتر والدین تصور می کنند که فرزندان با حرف تربیت می شوند؛ در حالی که بچه ها با عمل والدین و با شخصیت واقعی آنها بزرگ می شوند. در واقع بچه ها، تبدیل به میانگینی از وضعیت و شخصیت موجود پدر و مادر می شوند. درک همین نکته کفایت می کند تا والدین، خود تبدیل به الگوهای واقعی شوند. فرزندان و نوه های امام اشاره می کردند که وی کارهای دینی را به آنها دیگته نمی کرد؛ بلکه عملاً رفتارش طوری بود که در بچه ها اثر می گذاشت و سعی می کردند مثل او رفتار کنند. اگر امام نکته ای را به بچه ها گوشزد می کردند که انجام ندهند، خود بچه ها پیش از هر چیزی، می دیدند که امام در زندگی شان، چنین کاری را نمی کنند و همین امر، اثر گذاری بسیاری در تربیت آنها داشت.

سختگیری ممنوع

لیلا بروجردی، نوه امام، در این باره نقل می کند که «آن طور که مادر نقل می کرد، اوایل تکلیف شرعی من بود که پدرم مصر بودند که مرا برای نماز صبح بیدار کند. امام پیغام داده بودند: لیلا! از دین زده نکند؛ زهرا مصطفوی، دختر امام نیز در این باره نقل می کند: «حضرت امام غالباً دیگران را با عمل، نه با کلام، به ادای فریض دعوت می کردند. همواره سعی داشتند کلام حق را با حلاوت و شیرینی و آرامش و ملاحظت فرین سازند. هرگز در این خصوص به عتاب متوسل نمی شدند و عبادت خدا و انجام واجبات را در نظر دیگران سنگین و طاقت فرسا جلوه نمی ساختند. مرسوم به جهت عادت خانوادگی، دخترم را از خواب صبحگاهی بیدار می کرد و به نماز و می داشت. امام وقتی از ماجرا خبردار شدند، برایش پیغام فرستادند که چهره شیرین اسلام را به مذاق بچه تلخ نکن. این کلام آنچنان مؤثر افتاد و اثر عمیقی بر روح و جان دخترم به جای گذاشت که بعد از آن خودش سفارش می کرد که برای اقامه نماز صبح، به موقع بیدار ش کنیم.»

دیدگاه

اصول امام از نگاه رهبر انقلاب

من آنچه نیاز امروز می دایم، ایستادگی بر اصول انقلاب در درجه اول است. اصول انقلاب هم همان چیزهایی است که در وصیت نامه و بیانات امام وجود دارد؛ اینها پایه ها و ستون های انقلاب است.

محتوای آن امامی که توانست دنیا را تکان بدهد، همین چیزهایی است که در این وصیت نامه و مانند اینها هست؛ نمی شود امام را تأویل کرد، نمی شود امام را برخلاف آنچه بود معنا کرد، حرف های او موجود است.

... شما نگاه کنید ببینید روی چه چیزهایی این مرد حکیم پخته آگاه تکیه کرده، آنها اساس مسئله است، مسائل اساسی آنهاست. اینها را نباید بیستوی بتوانند تغییر بدهند؛ یک شکل مخالفت با نظام و مخالفت با انقلاب، مخالفت با این چیزهاست. اگر چنانچه در کارهای ما، در حرف های ما، در جهت گیری ها و رویکردهای تبلیغی ما مخالفت با آن مبانی وجود داشته باشد ضدیت با انقلاب و ضدیت با نظام اسلامی و ضدیت با اسلام سیاسی ای است که تحقق پیدا کرده.

یکی از اصول امام اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده الهی و نقطه مقابل، بی اعتمادی به قدرت های مستکبر و زورگوی جهانی است؛ این یکی از اجزای مکتب امام است. اتکال به قدرت الهی؛ خدای متعال وعده داده است به مؤمنین؛ و کسانی که این وعده را پلور ندارند در کلام خود خداوند لعن شده اند: «و لعنهم الله، (۱) وَ غَضِبَ اللهُ عَلَیْهِمْ، (۲) آن کسانی که «الظَّالِمِینَ بِاللَّهِ ظَنُّ الشُّوعِ عَلَیْهِمْ دَابِرَةُ الشُّوعِ وَ غَضِبَ اللهُ عَلَیْهِمْ وَ لَعْنَهُمْ وَ اَعْتَدَ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِیرًا» (۳) اعتقاد به وعده الهی، به صدق وعده الهی - که فرموده است «ان تَنْصُرُوا اللهَ یَنْصُرْکُمْ» (۴) - یکی از ارکان تفکر امام بزرگوار است؛ باید به این وعده اعتماد و اتکال کرد. نقطه مقابل، به دل خوش کنک های دشمنان، مستکبران، قدرت های جهانی، مطلقاً نباید اعتماد کرد؛ این هم در عمل امام، در رفتار امام، در بیانات امام به طور کامل مشهود است.

امام بزرگوار از اول شروع نهضت، همه حرف خود را صریح، بدون ابهام بیان کرد. از اول، امام رژیم طاغوتی موروثی استبدادی سلطنتی را نفی کرد، ملاحظه نکرد؛ از اول معلوم بود که امام دنبال یک نظام و یک تشکیلات مردمی است.

راز ماندگاری نظام جمهوری اسلامی بریل انقلاب و بر خطوط اصلی امام بزرگوار، صراحت بوده است؛ هیچ نیابتی این شفافیت را، این صراحت را از دست داد. در مقابل مخالفان، در مقابل دوستان، در مقابل دشمنان، مواضع جمهوری اسلامی باید مواضع شفاف باشد.

محور همه اصول و قواعد کار امام بزرگوار ما در دو چیز خلاصه می شد: اسلام و مردم. اعتقاد به مردم را هم امام بزرگوار ما از اسلام گرفت.

آنچه من به ملت خودمان عرض می کنم این است که راه امام بزرگوار و راه انقلاب را رها نکنید؛ این راه را دنبال کنید. عزت دنیا و عزت در ملائعی به این وابسته است که این راه را بروید.

راه میان تحجر و خودباختگی، راهی بود که امام انتخاب کرد. این، درس بزرگ امام بود و توانست این انقلاب را نجات دهد.

دو کار بزرگ و بی سابقه در تاریخ کشور ما به وسیله امام تحقق پیدا کرد؛ یکی برانداختن بنای سلطنت موروثی ظالمانه و غیرعقلانه که چند هزار سال در کشور ما سابقه داشت. این بنای پوسیده کهنه غلط که حکومت کشور به دست انسان هایی باشد و به صورت موروثی از کسی به کسی برسد یا با شمشیر و زور نظامی حکومت به دست بیاید و بعد نسل به نسل از یکی به دیگری به ارث برسد، یک سنت غلط و بی منطق در طول چند هزار سال در کشور ما بود؛ کار اول امام این بود که این بنای غلط را برانداخت و کار را به دست مردم کشور سپرد. کار بزرگ دومی که امام بزرگوار انجام داد، ایجاد یک حکومت و نظامی براساس اسلام بود.

امام بزرگوار در طول این سالیان دراز از فلسطین حمایت کرد، دفاع کرد. از فلسطین دفاع کرد، از افغانستان دفاع کرد. آن روزی که ملت افغانستان حمایت کردند، اینکته ما گرفتار دشمنی آمریکا بودیم - دولت ها معمولاً در این مواقع که با یک طرف گرفتاری دارند، با طرف دیگر می سازند - امام بزرگوار در همان حال در مقابل شوری موضع قاطع گرفت، که این موضع قاطع را حتی بعضی از دولت هایی که گرایش غربی داشتند هم گرفتند اما امام بزرگوار بدون هیچ ملاحظاتی از ملت افغانستان حمایت کرد، از ملت لبنان حمایت کرد، فلسطینی ها را با کامل صمیمیت مورد حمایت خودش قرار داد. این منطق امام است در مورد مقابله با استیکبار. با این منطق امروز می شود فضای دنیا را شناسایی کرد، موضع درست را می شود فهمید.

ستون های انقلاب

۱۳۹۵/۰۸/۲۶

نمی شود امام را تأویل کرد

۱۳۹۵/۰۸/۲۶

اساس مسئله این است

۱۳۹۴/۱۲/۲۵

اعتماد به خدا

۱۳۹۴/۰۳/۱۴

مردی که صریح بود

۱۳۹۲/۱۱/۱۹

راز ماندگاری

۱۳۹۲/۱۱/۱۹

اسلام و مردم

۱۳۸۲/۰۳/۱۴

راهی که عزت

است ۱۳۹۵/۰۹/۲۷

راه میان تحجر و خودباختگی

۱۳۷۶/۰۳/۱۴

دو کار بزرگ امام

۱۳۹۴/۰۳/۱۴

تعارف نداشتن

۱۳۹۴/۰۳/۱۴